

عنوان مقاله:

کارکرد گفتگو در اشعار مقاومت محمود درویش بر مبنای نظریه گفتگومندی باختین؛ موردپژوهی شعر «جندی یحلم بالزنابق البیضاء»

محل انتشار:

فصلنامه ادب عربی، دوره 13، شماره 3 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

ساناز کندی - دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

علیرضا نظری - دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

خلاصه مقاله:

باختین در فضای تک‌صدای حاکم بر جامعه خود، ادبیات را عرصه‌ای برای انتقاد قرار داد و با ارائه نظریه گفتگومندی، پایه‌گذار برخی از نظریه‌ها و رویکردهای نقدی و ادبی شد. متن ادبی به ویژه رمان، از دیدگاه باختین، محل تضارب ایدئولوژی‌هایی هست که شخصیت‌های اثر آن را نمایندگی می‌کنند. گرچه این دیدگاه در ابتدا با تحلیل متون روایی از جمله آثار داستایوفسکی جلوه‌گر شد، اما اتکاء به آن در تحلیل متون شعری نیز این متون را با تحلیلی نو مواجه کرد. از مهم‌ترین موقعیت‌های جلوه‌گری چندصدایی و منطق مکالمه، وجود عنصر گفتگو در این متون است. گرچه گفتگو صرفاً نمی‌تواند با گفتگومندی یکی باشد، اما می‌تواند محلی برای ابراز چندصدایی متون ادبی تلقی گردد. بنابراین این پژوهش درصدد است تا با استفاده از نظریه گفتگومندی باختین به بررسی گفتگوهای موجود در شعر «جندی یحلم بالزنابق البیضاء» محمود درویش بپردازد تا ضمن تبیین صداهایی که درویش در این شعر بازتابانده است به کارکرد این عنصر در ساختار متن شعری بپردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که درویش در راستای تبیین مظلومیت ملت فلسطین، تک‌صدایی را انتخاب نکرده است؛ بلکه در قالب‌های روایی ساده و گفتگوهایی متعدد از زبان فلسطینیان و اشغالگران ضمن ارائه دیدگاه‌های هر دو سو و دیگر صداهای پیرامونی، شعرش را به محلی برای ابراز حقانیت شخصیتها بدل کرده و خواننده را در مقام داوری منصف به شعر خود دعوت نموده است.

کلمات کلیدی:

شعر مقاومت، گفتگومندی، چندصدایی، باختین، محمود درویش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1340048>

